

سلسله مباحث گزینش

پژوهشی پیرامون فرمان حضرت امام خمینی (ره)
در خصوص گزینش

مؤلفین:

سید محمد طباطبائی

مصطفی بابائی ساروئی

عبدالرضا رضائی

یاسر دلیر

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی پیرامون فرمان حضرت امام خمینی (ره) در خصوص گزینش مولفین سید محمد طباطبایی... [و دیگران].

مشخصات نشر: تهران: پارس مطهر، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص: نمونه.

فروست: سلسه مباحث گزینش.

شابک: ۵-۹۹۷۵۱-۰-۹۷۸-۶۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: مولفین سید محمد طباطبایی، مصطفی بابائی ساروئی، عبدالرضا رضائی، یاسر دلیر.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. --

دیدگاه درباره گزینش و انتصاب کارکنان

موضوع: Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI -- Views on-

employee selection

موضوع: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها

موضوع: Messages and speeches of IRI -- Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of

موضوع: کارکنان -- گزینش و انتصاب -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

Employee selection -- Religious aspects -- Islam

کارکنان -- ایران -- گزینش و انتصاب

Employee selection -- Iran

اصلاح نظام اداری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

Civil service reform -- Religious aspects -- Islam

عدالت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

Justice -- Religious aspects -- Islam

شناسه افزوده: طباطبایی، سید محمد، ۱۲۶۱ - ۱۳۶۸

رده بندی کنگره: ۲۱۰۳۲PB

رده بندی دیویی: ۳۸۴/۷۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۳۲۰۱۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



عنوان کتاب: پژوهشی پیرامون فرمان حضرت امام خمینی (ره) در خصوص گزینش

مولفین: سید محمد طباطبایی، مصطفی بابائی ساروئی، عبدالرضا رضائی، یاسر دلیر

ناشر: پارس مطهر _ ۷۷۸۳۹۵۷۹

صفحه آرای: پارس مطهر

سال چاپ: ۱۴۰۰

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۵-۹۹۷۵۱-۰-۹۷۸-۶۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

آدرس انتشارات: خیابان فرجام، بین خیابان ولیعصر و عبادی، پلاک ۴۶۰

تلفن: ۷۷۸۳۹۵۷۹

فهرست

۷	مقدمه :
۲۹	فصل اول: بررسی تاریخی (بازتاب پیام در روزنامه ها و نشریات و...) :
۷۱	فصل دوم: بررسی کلمات کلیدی فرمان حضرت امام خمینی (ره) :
۱۶۱	فصل سوم: کتابشناسی عبارات کلیدی فرمان حضرت امام خمینی (ره) :
۲۵۹	پیوست :
۲۶۹	منابع :

الله يَنْصُطِفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (حج/۵۷)

ضرورت و اهمیت گزینش

نیاز به حکومت، از بدیهی ترین اموری است که عقل فطری بدان حکم می‌کند. این امر به گروهی از انسان‌ها یا زمانی خاص بستگی ندارد، بلکه در همه زمان‌ها به زمامدار و تشکیلاتی که جامعه را اداره کند، نیاز است. طبیعی است که برای حسن اجرای امور و حصول نتیجه مطلوب از قانون و سازمان‌های درون نظام حکومتی، می‌بایست نیروهای گمارده شوند که صلاحیت و شایستگی لازم را داشته باشند. وجود قانون به تنهایی برای اصلاح جامعه کافی نیست، بلکه در کنار آن باید مجریان کارآمد و توانایی باشند تا با اجرای هر چه بهتر قانون، زمینه پیشرفت، اصلاح و سلامت جامعه را فراهم کنند.

بنا به مقتضای عقل برای اینکه نظام مطلوب اسلامی بتواند به‌عالیترین هدف‌هایی که اسلام در روند تکاملی انسان منظور داشته و به غایت نهایی، که کمال انسانیت است حصول یابد، باید مجاری امور جامعه در دست افراد صالح و لایق قرار گیرد و «اصل گزینش» جامه عمل به خود ببوشد.^۱ در حقیقت اگر بنا باشد معیار صلاحیت و شایستگی در کامل‌ترین شکل خود در گزینش مورد عمل قرار گیرد، باید به صورت رعایت اصل «انتخاب اصلح» پیگیری شود، زیرا عقل و عقلا بر این امر متفقند که در شرایط مساوی با وجود فرد شایسته‌تر برای احراز یک مقام، نوبت به فرد شایسته نمی‌رسد. بنابراین اصل «انتخاب اصلح» یکی از اصولی‌ترین

۱. اصل گزینش، مرکز مطالعات و پژوهش‌های اداری، ۱۳۶۴، صفحه ۳۴

شرایط برای انتخاب و گزینش است.^۱

با درنگی در اندیشه های سیاسی - اجتماعی اسلام و با واکاوی آموزه های تعالی بخش اسلامی به خوبی می توان جایگاه شایسته سالاری و انتخاب بهترین ها را استخراج کرد. شایسته سالاری و گزینش همان عدالت اسلامی است و از آن سرچشمه می گیرد، چرا که با تحقق عدالت اسلامی، اصل استقرار هر چیز در جای خود محقق می شود و این مطابق با یکی از اصلی ترین تعاریف عدل است که عبارت است از: «وضع کل شیء فی موضعه»، «قرار دادن هر چیز در جای مناسب خویش». در تعریف دیگری از عدالت گفته اند: «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه، عدالت یعنی حق هر دارنده حقّی را به خود او دادن»؛ یعنی افراد در متن خلقت و طبیعت، در مرحله مقدم بر قانون یک استحقاق هایی دارند که این استحقاق ها منشأ انتزاعش خود هستی و طبیعت و وجود خود این هاست. عدالت این است که هر کسی به آن حق واقعی خودش برسد. پس حق معیار عدالت است و عدالت معیار قانون است: یعنی قانون میتواند عادلانه باشد و می تواند ظالمانه باشد، نه اینکه عدالت متفرع بر قانون باشد.^۲ به عبارت دیگر عدالت یعنی هر فرد شایسته را در جایگاه و مسئولیت شایسته خودش قرار دادن.

حکمت را چنین تفسیر کرده اند: «سپردن کار به شخصی لایق» و این حماقت است که کار و منصب به شخصی غیر لایق سپرده شود.^۳ بنا بر نظر شهید مطهری نیز یک فعل وقتی حکیمانه است که غرض آن بهترین غرض و بهترین مصلحت های ممکن باشد. مطابق این دیدگاه، شایسته سالاری و انتخاب بهترین ها دقیقاً منطبق با حکمت است و انتخاب های

۱. بخشی، ثواب، ۱۳۸۹، صفحه ۱۲۴.

۲. مطهری، ۱۳۸۹، جلد ۱۳، صفحه ۸۲۲.

۳. سبحانی، جلد ۱، صفحه ۳۰۱.

بدون هدف و معیار خلاف فعل حکیمانه است. این به آن معنی است که تقدیم مفصول بر فاضل، ترجیح مرجوح بر راجح و... در جهت خلاف اصل حکمت و شایسته‌گزینی و انتخاب بهترین هاست.

بر اساس دو اصل عدالت و حکمت الهی است که بارها در قرآن کریم مومنان و پرهیزگاران با کافران و بدکاران مقایسه شده‌اند و بر عدم تساوی آنان و برتری دسته اول تأکید شده است. از آن جمله در آیه ۸۲ سوره «ص» پس از بیان هدفدار بودن نظام آفرینش در راستای عدالت و حکمت الهی می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ؟ آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟». خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره جاثیه نیز مانند آیه اشاره شده قبلی این موضوع را اینگونه مورد تأکید قرار می‌دهد: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَحْمَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ مَخْبَاهُهُمْ وَمَمَّا لَهُمْ بَاءٌ مَا يَحْكُمُونَ؟ آیا کسانی که مرتکب بدی‌ها و گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که حیات و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند؟». در آیه بعد (آیه ۲۲ سوره جاثیه) که در حقیقت تفسیر و تعلیلی است برای آیه قبل، می‌فرماید: «وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلَيُخْرِجَنَّ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؟ و خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزا داده شود و به آنها ستمی نخواهد شد!». سراسر عالم نشان می‌دهد که آفریننده این جهان آن را بر محور حق قرار داده، و در همه جا حق و عدالت حاکم است. حق به چیزی می‌گویند که بر اساس حکمت و منطق باشد و خلقت بر اساس حق یعنی آفرینش بر اساس برنامه و هدف. با این حال چگونه ممکن است مومنان صالح العمل و مجرمان بی ایمان را یکسان قرار دهد و این امر به صورت استثنایی در عالم خلقت درآید؟ همچنین در

آیه ۸۱ سوره «سجده» بیان می‌دارد: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ؛ آیا کسی که با ایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند». خداوند متعال عادل و حکیم است و لازمه این عدالت و حکمت این است که در نزد او بدکار و نیکوکار یکسان نباشند.

از طرفی تمامی معارف قرآنی از یک اصل سرچشمه می‌گیرد و آن چیزی نیست جز اصل توحید. سایر شاخه‌ها و برگ‌ها و میوه‌های دین: هر کدام از آنها اگر بر اصل توحید استوار باشد، خوب و مفید و شیرین خواهد بود و اگر بر این اصل استوار نباشد، آن فایده‌ای را که باید ببخشد، نمی‌بخشد.^۱ علامه طباطبایی در اینباره می‌فرماید: «تمامی معارف قرآن را با همه وسعتی که دارد می‌بینیم کانه به یک حیات زنده اند و یک روح در قالب همه آنها جریان دارد و آن روح واحد مبدأ تمامی معارف قرآنی است و اصلی است که همه بیان منتهی می‌گردند و به آن بازگشت می‌کنند، و آن اصل توحید است که اگر یک یک معارف آن را تحلیل کنیم، سر از آن اصل در می‌آوریم و اگر آن اصل را ترکیب نماییم به یک یک آن معارف بر می‌خوریم».^۲ اینجاست که میتوان ریشه و پایه اساسی شایسته سالاری و انتخاب بهترین‌ها در اسلام و مدیریت اسلامی را استخراج نمود.

از نظر قرآن، سنت خداوند متعال بر این است که حکومت و سروری بر زمین برای بندگان صالح و شایسته است^۳، زیرا مناصب و مسئولیت‌ها، امانت‌های الهی است که باید به اهلش سپرده شود تا آن را به مقصد برسانند. قرآن کریم در آیه ۵۸ سوره نساء می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»، از ظاهر این آیه شریفه بر می‌آید که مفهوم امانات مفهوم عامی است که مشتمل بر همه امانت‌هاست اعم

۱. مطهری، ۱۳۸۹، جلد ۲۲، صفحه ۷۲.

۲. طباطبایی، ۱۳۷۴، جلد ۱۲، صفحه ۱۵۲.

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

از امانت‌های مالی و غیرمالی میان مردم و امانت‌های خداوند بر بندگان اعم از قرآن و سایر اوامر و نواهی الهی و امانت‌های خداوند که بر عهده زمامداران و مسئولان است. روایات متعدد بیانگر این حقیقت است که اداره امور از مهمترین و مورد توجه‌ترین مصادیق امانت است. یعنی کارگزاری و مدیریت مردمان امانتی است پس سنگین که باید به اهلش سپرده شود.^۱

مفسران شیعه و سنی نیز امانات را اعم از امانت‌های مالی و معنوی دانسته، پست‌ها و مناصب را مصادیق آن به شمار آورده‌اند. تفسیر قرطبی، زمخشری، المیزان، و مجمع البیان از این قبیل است.^۲ به عنوان نمونه مرحوم علامه طباطبایی معتقدند «حکومت و ولایتی که از جانب خداوند متعال به کسی محول می‌گردد یا مردم به شخصی واگذار می‌کنند، از بزرگترین امانت‌ها است».^۳

امیرالمومنین علیه السلام در نامه‌های ۵، ۲۶، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۵۳ نهج البلاغه، کارگزاری و مسئولیت در حکومت اسلامی را امانت برشمرده‌اند. از آن جمله در نامه ۵ نهج البلاغه به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان می‌فرماید: «وَ إِنْ عَمَلَك لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عَمَلِكَ أَمَانَةٌ. همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نخواهد بود، بلکه امانتی است در گردن تو» و در نامه ۴۲ به عمر بن ابی سلمه فرماندار بحرین می‌نویسند: «فَلَقَدْ أَحْسَنْتَ الْوِلَايَةَ، وَ أَذَيْتَ الْأَمَانَةَ؛ تاکنون زمامداری را به نیکی انجام دادی، و امانت را ادا نمودی».

هرگونه سهل‌انگاری و عدم انتخاب و گزینش صحیح به طور قطع منجر به عدم رعایت حقوق دیگران میشود که نتیجه آن افراط و تفریط و خیانت می‌باشد، که این خود جزء گناهان کبیره به شمار می‌آید. آنچنان

۱. دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، صفحه ۳۸۰.

۲. رحمانی، ۱۳۷۹، صفحه ۳۲۲.

۳. طباطبایی، ۱۳۷۴، جلد ۴، صفحه ۳۷۸.

که قرآن کریم در آیه ۲۷ سوره انفال صریحاً به این امر اشاره می‌نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَحُونُوا أَمَانَاتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: ای مؤمنان! به خدا و پیامبر خیانت نورزید و دانسته به امانات خود خیانت نکنید»^۱

در روایات متعدد پذیرفتن مسئولیت یا گزینش و انتخاب بدون توجه به شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها خیانت نسبت به خدا، رسول خدا و مسلمین دانسته شده است. از آن جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ أُولَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَاعْلَمَ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ؛ هر کس از بین مسلمانان کارگزاری را بر سر کار بیاورد و بداند که در بین مسلمانان فردی وجود دارد که او برای این کار سزاوارتر است و نسبت به قرآن و سنت پیامبر آگاهتر است، به خدا، رسول خدا و جمیع امت اسلامی خیانت کرده است»^۲. در سیره حضرتش چنین وارد شده که به حاکم مکه فرمودند: «لَوْ اعْلَمَ لَهُمْ خَيْرًا مِنْكَ اسْتَعْمَلْتَهُ عَلَيْهِمْ؛ اگر برای اداره مکه بهتر از تو کسی را می‌شناختم برمی‌گزیدم»^۳ که تجربه ثابت شده است که عدم توجه به معیارهای ارزشی و اخلاقی در نیرویابی، جذب، گزینش و انتصاب منابع انسانی به ویژه در پست‌های حساس، مشکلات فراوان و آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای سازمان‌ها و مدیران اجرا نموده که باید به طور جدی مورد توجه مسئولان قرار گیرد. توجه به اصل انتخاب اصلح، یکی از اساسی‌ترین شرط از شرایط نیرویابی، جذب، گزینش و انتصاب به مشاغل به ویژه مشاغل حساس مدیریت و سرپرستی از دیدگاه شرع مقدس اسلام است و انحراف از این خط گناهی است بزرگ نزد خدا، رسول خدا و همه امت اسلام که مسلماً دارای عقوبت سختی در

۱. جوادی آملی، ۱۳۶۷، صفحه ۱۶۲-۱۶۳.

۲. بیهقی، جلد ۱۰، صفحه ۱۱.

۳. ابن اثیر، جلد ۵، صفحه ۵۴۹.

دنیا و آخرت خواهد بود.^۱ آنان که بدون دارا بودن شایستگی های لازم خود را در مقام و منصب اداره امور قرار می دهند یا آنان که اشخاص فاقد شایستگی های لازم را بر اداره امور می گمارند، بالاترین خیانت ها را مرتکب می شوند و بدین ترتیب هم خود را در معرض هلاکت قرار می دهند و هم اداره امور را به تباهی می کشند. آنچه سبب گردش درست امور و سلامت و صلاحیت کارها می شود آن است که مناصب و مسئولیت ها امانت تلقی شده، به شایستگان سپرده شود.^۲

سنت الهی بر این است که به هیچ کس جز بر اساس شایستگی ها و اهلیت های لازم مسئولیتی نمی دهد. این مهم در واگذاری مقام خطیر نبوت، امامت، مقامات معنوی و هدایت های خاص، و پیروزی یک امت بر دشمنانش کاملاً مشهود است. خداوند متعال به افرادی که لیاقت خود را به اثبات رسانده و از عهده امتحان برآمده باشند، مسئولیت یا پیروزی عثایت می کند. دلیل گزینش و انتخاب انبیا در قرآن کریم، علم الهی نسبت به آنان بیان شده است^۳ و در آیات متعدد دیگر، معیارهای این انتخاب ذکر شده است. خداوند متعال هنگام گزینش پیامبرانش اصل شایستگی را مدنظر داشته است و در جواب معترضان، به وجود معیارهای شایستگی در پیامبران پرداخته است.^۴ از آنجایی که این معیارها از جامعیت و دقت بالایی برخوردارند، شایستگی ها برخوردارند، سبب برتری و تفضیل بعضی انبیاء بر پیامبران دیگر الهی نیز می گردد.^۵

خداوند به حضرت آدم «اسماء» را تعلیم داد و آنگاه او را خلیفه خود در

۱. ابطحی، ۱۳۶۸، صفحه ۱۳.

۲. دلشاد تهرانی، ۱۳۷۳، صفحه ۲۰۲-۲۰۵.

۳. سوره دخان، آیه ۳۲.

۴. مدرسی زاده، ۱۳۹۱، صفحه ۶۶.

۵. سوره بقره، آیه ۲۵۳، سوره اسراء، آیه ۵۵.

زمین ساخت.^۱ حضرت ابراهیم علیه السلام با عبور موفق از عرصه امتحان های سخت به مقام امامت رسید.^۲ طالوت به خاطر دانش و توانایی جسمی به فرماندهی بنی اسرائیل منصوب شد تا با جالوت بجنگد.^۳ دیگر انبیاء چون صدیق، امین، شایسته و به یاد قیامت بودند برگزیده شدند.^۴

در داستان حضرت سلیمان است که وقتی یکی از کارکنانش در مورد تخت بلقیس به او می گوید: قبل از آنکه از جایگاه خود بلند شوی من آن را در اینجا حاضر می کنم و بعد می گوید: «وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» به درستی که من هم نیرومندم و هم امین.^۵ در جریان حضرت موسی دختر حضرت شعیب به پدرش گفت: «قَالَتِ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» این جوان را برای خدمت اجیر کن زیرا بهترین کارگزین و خدمتگزار کسی است که در کارش توانمند و امین باشد.^۶ از آیه مذکور به خوبی استفاده می شود که وقتی برای شغلی نظیر شبانی برای گوسفندان کسی، امین بودن لازم است، در احراز شغلی که به همه مردم مربوط بوده و کوتاهی نسبت به آن خسارات و مفاسد فراوانی را در سطح جامعه موجب می گردد به طریق اولی لازم خواهد بود. امین بودن صاحبان مناصب در نظام اسلامی سبب امنیت جامعه گردیده و موجب اعتماد مردم به آنان خواهد شد.^۷

روزی که از طرف عزیز مصر به حضرت یوسف پیشنهاد قبول مسئولیت و

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۳.

۳. سوره بقره، آیه ۲۴۷.

۴. حقی پناه، ۱۳۸۹ صفحه ۱۹۸، صفحه ۴۶.

۵. سوره نمل، آیه ۳۹.

۶. سوره قصص، آیه ۲۶.

۷. حسینی رودباری، ۱۳۸۸، صفحه ۶۶.

پذیرش مدیریت داده شد، وی مدیریت خزانه داری کشور مصر را پذیرفت و در پذیرش این مسئولیت به امانتداری و آگاهی خود تکیه کرد: «قال اجعلني على خزانة الأرض إني حفيظٌ عليهما ثروت و بودجه مصر را به من تحویل بده چون هم حافظ منافع مردم (امین) هستم و هم در این موضوع آگاه و عالم هستم»^۱.

قرآن کریم سراسر شغل های حساس و غیر حساس جامعه را با این دو اصل مطرح کرده است. هم شبانی، رمه داری در سینه ی کوه که از ساده ترین شغل های اجتماعی است با تخصص و تعهد یاد شده و هم سرپرستی امور مالی و خزانه داری در کشور وسیعی چون مصر و زمانی که به قحطی و گرانی دچار شده، با تعهد و تخصص ذکر شده است^۲.

آنچه از مجموع آیات مزبور به دست می آید این مطلب است که در واگذاری امور به افراد، ملاک هایی مدنظر بوده که به فراخور منصب و مقام ممکن است از لحاظ مصداق متفاوت باشد؛ مثلاً وقتی سخن از جنگ و میدان نبرد است (ماجرای طلوت)، برخورداری از علم و قوای بدنی فضیلت محسوب میشود، وقتی سخن از مأموریت پیام رسانی و تبلیغ است (ماجرای حضرت موسی و هارون علیهم السلام)، فصاحت و قدرت بیان برتری به حساب میآید، وقتی سخن از کارگزاری است (ماجرای حضرت شعیب علیه السلام) قدرت جسمانی و امانت داری مزیت به شمار می رود و در نهایت در مورد تصدی خزانه داری (ماجرای حضرت یوسف علیه السلام)، نگهداری و امانت بودن فضیلت است که در کنار علم و دانش مطرح می شود. بنابراین، ملاک انتخاب مدیران الهی داشتن ویژگی های لازم برای احراز سمت مورد نظر است که به فراخور وظیفه آنان متفاوت است؛ اما در مجموع، میتوان همه شروط را در عنوان بهره مندی از علم

۱. سوره یوسف، آیه ۵۵.

۲. خسروی محمود، ۱۳۷۸.

و تخصص از یک سو و داشتن کمالات و فضایل اخلاقی و تعهد از سوی دیگر دانست.^۱

علی علیه السلام بعد از رسول خدا مشعل دار شایسته سالاری بود و نه تنها در سفارش ها به استناداران و والیان شایسته سالاری را گوشزد می نمود، بلکه خود حتی برای لحظه ای حاضر به پذیرش افراد ناشایست و نالایق در سیستم حکومتی خویش نبود و با همه خطرهای و صدماتی که از این رهگذر ایشان را تهدید میکرد و در نهایت به بروز جنگهای خونینی انجامید، هیچگاه اصل شایسته سالاری را فدای منافع زودگذر مادی نکرد.^۲

علی علیه السلام که دست پرورده مکتب اسلام است و از زلال وحی و قرآن سیراب گشته، بر دو ویژگی علم و دانش و تعهد و فضیلت تأکید دارد و اولاً روال و بقای دولت را در آن میداند: «زوال الدّول باصطناع السّفَل؛ زوال و سقوط دولتها به سبب به کارگیری دوناان است»^۳. ایشان در جایی دیگر نیز میفرماید: «بَسْطِلْ عَلَيَّ اَدْبَارَ الدّولِ بَارِعَ: تَضْيِيعُ الاَصْوَِلِ وَ التَّمَسُّكُ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمُ الْاَرَاذِلِ وَ تَاخِيرُ الْاَفْاضِلِ؛ انحطاط و سقوط دولتها چهار چیز است: ضایع کردن اصول و دستورهای اصلی، پرداختن به مسایل فرعی و جزئی، مقدم داشتن فرومایگان و عقب راندن شایستگان و افراد با فضیلت»^۴.

اهمیت تعهد در نظام اسلامی تا به آن حد است که امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در نامه به مصریان که با مالک اشتر فرستاد، چون او را به حکومت آن سرزمین گمارد، چنین نسبت به کارگیری افراد فاقد آن هشدار داده است: «وَلِكُنِّي أَسَىٰ أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاوُهَا وَ فُجَارُهَا فَيَتَجَدَّوْا

۱. مدرس زاده، ۱۳۹۱، صفحه ۶۸-۶۹.

۲. مدرس زاده، ۱۳۹۱، صفحه ۷۴.

۳. آمدی، جلد ۱، صفحه ۴۲۷.

۴. آمدی، جلد ۱، صفحه ۸۶۴.